فرخنده باد هشتم مارس، روز جهانی زن!

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۴، ۱۴ اسفند ماه ۱۳۹۶

مبارزه برای رفع تبعیض از زنان کارگر و شاغل، در محیط کار

اجرای سیاست‌های مخرب اقتصادی در دهه های اخیر که در راستای منافع کلان سرمایه داران کشور بوده است، شرایط معیشتی بسیار وخیمی را به زحمتکشان کشورمان تحمیل کرده است. علاوه بر این سیاست ها، قوانین و دیدگاه‌های زن‌ستیز رژیم ولایت فقیه در ارتباط با اشتغال، دستمزد و جایگاه زنان در بازار کار، وضعیت گذران زندگی زنان کارگر و شاغل را بسیار اسف‌بارتر کرده است، به‌ویژه معیشت زنان کارگر را در وضعیتی دشوار قرار داده است. اغلب زنان کارگر در بخش صنوف مشغول به‌کار هستند، ازآنجاکه کارگاه‌های تا ۱۰ نفر را از شمول قانون کار خارج کرده‌اند، زنان کارگر شاغل در

ادامه در صفحه ۳

تأملی بر نقش جنبش سندیکایی زحمتکشان در تحول‌های صحنه سیاسی ایران

به‌موازات تغییروتحول‌ها در صحنهٔ سیاسی کشور در هفته‌های اخیر، مبارزهٔ طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن ما برای دستیابی به حقوق بدیهی‌شان، به‌ویژه خواست‌هایی نظیر: افزایش عادلانه دستمزد، پرداخت مزدهای معوقه، توقف خصوصی‌سازی و تأمین امنیت شغلی، گسترش باز هم بیشتری پیدا کرد.

وقفه در برگزاری جلسات کمیتهٔ مزد شورای‌عالی کار، به‌دلیل مخالفت به‌حق و قاطع زحمتکشان با تصویب بند "ز" تبصرهٔ ۷ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷، برپایی اعتصاب و تجمع به‌شکل‌های مختلف در اعتراض به دستمزدهای معوقه، قراردادهای موقت و خواستِ پایان بخشیدن به اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، اعتراض‌های دامنه‌دار فرهنگیان و بازنشستگان به سیاست‌های دولت و رژیم که به کاهش سطح زندگی و قدرت خرید آنان منجر گردیده است و جز این‌ها و ده‌ها نمونهٔ دیگر، همگی، نشانهٔ گسترش و ژرفش جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان در بطن تحول‌های صحنهٔ سیاسی میهن ماست.

ادامه در صفحه ۲

کارگران بازداشت شده گروه ملی صنعتی فولاد اهواز باید فوراً و بی قید وشرط آزاد شوند !

بر اساس گزارش های انتشار یافته، در نهمین روز اعتصاب متشکل و یکپارچه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و راهپیمائی آنها در خیابان های شهر اهواز مرکز استان خوزستان، ماموران امنیتی و یگان اطلاعات نیروی انتظامی با یورش شبانه به منازل کارگران، بیش از ۹ کارگر اعتصابی را بازداشت و روانه زندان کردند. این بازداشت های برنامه ریزی شد' اندکی پس از آنکه ولی فقیه اعتراض های رو به گسترش طبقه کارگر و زحمتکشان را »تحریک ضد انقلاب و دشمنان «خوانده بود' صورت می گیرد. در حقیقت به فرمان خامنه ای کارگران به دلیل مطالبه حقوق بدیهی خود مورد یورش قرار گرفته دستگیر و زندانی می شوند.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، مانند هزاران کارگر دیگر در سراسر کشور ماه ها دستمزد معوقه داشته و به همین دلیل طی ده روز گذشته به اعتصاب وراهپیمائی دست زده اند. آنان تامین امنیت شغلی و پرداخت مزد خود را طلب می کنند. یورش شبانه ماموران امنیتی به خانه های کارگران و بازداشت آنها در برابر چشمان خانواده هایشان سرشت ضد مردمی و کارگر ستیز رژیم ولایت فقیه را بسی بیش از گذشته برای توده های کارگر آشکار می سازد.

حزب ما همانگونه که مرتبا تاکید و پافشاری نموده است هدف از سرکوب و فشار به زحمتکشان جلوگیری از گذر جنبش کارگری از حالت تدافعی به موضع‌گیری تهاجمی و حذف توده ها بویژه طبقه کارگر از معادله های صحنهٔ سیاسی کشور است. بی شک در آینده شاهد تهدید و اعمال فشار بیشتر بر جنبش کارگری - سندیکایی و اجرای مانورهای فریبکارانه به موازات آن خواهیم بود.

حزب توده ایران -حزب طبقه کارگر ایران - با تمام نیرو و امکانات خود در کنار و هم سنگر کارگران و زحمتکشان کشور از جمله کارگران اعتصابی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز قرارداشته و دارد. حزب ما خواهان آزادی فوری و بی قید وشرط کارگران بازداشت شده گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و همه کارگران و مبارزان سندیکایی در بند است. ما ضمن اعلام حمایت قاطع از خواست‌های زحمتکشان خواستار تشدید مبارزه و ارتقاء سطح همبستگی و سازماندهی در جنبش اعتراضی کارگران هستیم. این یگانه پاسخ به اجرای برنامه های ضد کارگری فاجعه آفرین رژیم ولایت فقیه است.

کارگران زندانی را آزاد کنید!

دستمزد های معوقه کارگران باید بی درنگ باز پرداخت شود!

متحد و یکپارچه ؛ پیش به سوی گسترش و ژرفش مبارزه کارگران و زحمتکشان!

درود و افتخار بر کارگران اعتصابی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و همه زحمتکشان میهن که در راه احقاق حقوق خود علیه استبداد مذهبی مبارزه می کنند

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوبِ حقوق صنفیِ کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راهِ طردِ رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ تأملی بر نقش جنبش سندیکایی...

ولی فقیه هم‌زمان با گسترش اعتراض‌های کارگری بار دیگر ضمن نشان دادن چنگ و دندان دستگاه سرکوب استبداد مذهبی به زحمتکشان کشور ما، هراس رژیم از گسترش مبارزات کارگران را نشان داد. سخنان تهدیدآمیز و هراس‌آلود خامنه‌ای و تأکید او بر این نکته که "ضدانقلاب کشور از اول چشمش به کارگرها بود تا بتواند جامعهٔ کارگری [بخوان: طبقهٔ کارگر] را به‌نحوی علیه جمهوری‌اسلامی تحریک کند، از روز اول یعنی از همان روز پیروزی انقلاب این حالت وجود داشت..." هنگامی بیان می‌شود که با مبارزه هرچند پراکنده کنونی زحمتکشان در بطن تغییر و تحول‌های سیال صحنهٔ سیاسی، به‌ویژه در دورهٔ پساخیزش دی‌ماه ۹۶، نقش جنبش کارگری در مبارزه توأمان صنفی و سیاسی از گسترش اعتلا یافته و نگرانی فزایندهٔ حاکمیت استبدادی را برانگیخته است. موضع‌گیری خامنه‌ای و مضمون سخنان او به‌این معناست که هر مبارزی یا سندیکالیستی که از حقوق زحمتکشان سخن به‌میان آورد و حل معضل‌های بی‌شمار معیشتی کارگران را خواهان شود "ضد انقلاب" شمرده شده و سرکوب می‌شود و در کل و اساساً مبارزه کارگران سراسر کشور "به‌تحریک دشمنان" صورت می‌گیرد. این تهدیدِ برآمده از هراس از نیروی زحمتکشان، در اوضاع کنونی و باتوجه به رشد اعتراض‌های کارگری و حرکت جنبش کارگری به جانب گذار از حالت تدافعی به موضع‌گیری تهاجمی، بخشی از سیاست مقابلهٔ رژیم با جنبش کارگری است.

ادامه و گسترش اعتراضات در شکل‌های گوناگون در سراسر کشور حاکی از این واقعیت است که به‌رغم این‌گونه تهدیدها و تبلیغات رژیم، خشم و اعتراض توده‌های محروم جامعه و پیشاپیش همه آنان طبقه کارگر همچون آتش زیر خاکستر آماده شعله کشیدن است و مانورهای فریبکارانه حاکمیت مانند طرح شعار توخالی همه‌پرسی از سوی حسن روحانی و یا سخنان بی‌پشتوانه و نیرنگ‌آمیز خامنه‌ای پیرامون مقابله با "اشرافی‌گرایی و امتیازطلبی مسئولان" و "بی‌توجهی به طبقهٔ مستضعف" و هم‌چنین مانور فریبکارانهٔ باند ماوراءِ راست احمدی‌نژاد دربارهٔ برکناری رئیس قوه قضاییه و برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری و مجلس شورا و از این قبیل دام گستری‌های سیاسی، نتوانسته و نخواهد توانست موج اعتراضات اجتماعی به بی‌عدالتی، فقر، رانت‌خواری و استبداد مذهبی را مهار کنند. برای رژیم ولایت‌فقیه پایان دادن به‌حضور توده‌ها در صحنه مبارزه به‌هر شکل ممکن چه به‌صورت سرکوب و فریب و چه به‌صورت تهدید و تطمیع مهم‌ترین چالش است و ازاین‌روی طرح و برنامه‌های چندلایه و متناسب با هرمقطع زمانی را تدوین و در دستورکار قرار داده است. فراموش نکنیم که رژیم ولایت فقیه و امپریالیسم در حذف عامل توده‌ها از صحنه سیاسی نقطه‌های پیوند و منافع مشترک دارند. وضعیت حساس و سیال سیاسی کنونی که حضور توده‌های مردم به تعادل و ثباتش از منظر نظام ضربه وارد آورده است، زمینه‌هایی برای حرکت طیفی گسترده از لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی و نمایندگان سیاسی آن‌ها فراهم آورده و بیش از پیش اهمیت و ضرورت گسترش مبارزه در بین توده‌ها را در اولویت قرار داده است. به‌طریق اولیٰ، مبارزه در میان توده‌های کارگر در سطح کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در مقطع زمانی کنونی اولویت درجه اول و وظیفه بی‌درنگ مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی حاضر در کشور است.

دیالکتیکِ مبارزه به‌گونه‌ای است که از سویی به رشد و گسترش اعتراض‌های کارگری و تلاش برای سازمان‌دهی آن‌ها به جنبش همگانی خلق علیه استبداد مذهبی نیرو و توانمندی معینی می‌بخشد و تأثیرگذاری بر تحول‌های سیاسی

آزادی فوری و بدون قید و شرط برای همه فعالان کارگری!

از راه حضور توده‌ها یا به‌عبارت دقیق‌تر از پایین را افزایش می‌دهد و از دیگرسو تحول‌های صحنه سیاسی و وضعیت پویا و سیال کنونی را به بستری مناسب و محیطی ضروری در تسهیل و تقویت رشد و ژرفش مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی- به‌ویژه در ارتباط با احیای حقوق سندیکایی و حق برخورداری از تشکل مستقل سندیکایی و دیگر منافع سیاسی و صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان- تبدیل می‌کند. در این وضعیت سیال و پیچیدهٔ سیاسی، وظیفهٔ بی‌درنگ مبارزان جنبش کارگری- سندیکایی فعالیت خستگی‌ناپذیر در جهت بسیج توده‌های کارگر، بالا بردن آگاهی طبقاتی و سازمان‌دهی اعتراض‌های پراکنده است. سندیکاهای واقعی و مستقل حاضر و مبارزان جنبش کارگری می‌باید بیش‌ازپیش با تأثیرگذاری بر بدنهٔ کارگری تشکل‌های زرد حکومتی، رهبری فاسد این تشکل‌ها را منزوی و مطرود کنند و نیروی بدنه کارگری ناراضی تشکل‌های زرد را در مقام بخشی از جنبش سراسری سندیکایی زحمتکشان با شعارهایی صحیح، رزم‌جویانه، واقع‌بینانه و منطبق بر توان کنونی جنبش هدایت و سازمان‌دهی کنند.

به‌علاوه، یادآوری این نکته مهم است که موضع‌گیری‌های اخیر خامنه‌ای زمانی انتشار می‌یابد که خانهٔ کارگر در عرصهٔ بین‌المللی به مانور حساب‌شده‌ای به‌هدف انحراف مبارزات کارگری دست یازیده است. در این زمینه لازم است به مانورهای خانهٔ کارگر و دیگر تشکل‌های زرد حکومتی در عرصهٔ بین‌المللی را، از جمله برگزاری نشست هیات مدیره فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، در روزهای ۷ و ۸ اسفندماه اشاره کرد و تأکید نمود که افشای نقش مخرب خانهٔ کارگر و تشکل‌های وابسته به آن که عملکردشان تنها خدمت به استبداد مذهبی است، وظیفه مهمی در شرایط حاضر است. خانهٔ کارگر، انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار و نظایر آن‌ها، همگی، کارنامه‌یی جز خیانت به منافع طبقهٔ کارگر و حمایت از سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی رژیم نداشته و ندارند. این تشکل‌ها اصولاً سازمان‌هایی صنفی- سندیکایی کارگران به‌شمار نمی‌آیند و ساختار تشکیلاتی، ماهیت و برنامه‌های‌شان در نقطه مقابل ویژگی‌های یک سازمان سندیکایی واقعی است. مانورهای رژیم درخصوص مسائل کارگری در عرصه بین‌المللی که با دقت محاسبه شده‌اند در اوضاعی به‌اجرا گذاشته می‌شوند که کارگران میهن ما بیش از هر زمانی دیگر به همبستگی جهانی زحمتکشان نیاز دارند. هدف این اقدام‌های مخرب در عرصهٔ بین‌المللی علاوه بر تهیهٔ خوراک داخلی برای رهبران تشکل‌های زرد و بزرگ‌نمایی دروغین نقش خانهٔ کارگر، به‌وجود آوردن تفرقه در صف‌های جنبش سندیکایی موجود و نیز محروم نگه‌داشتن طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما از همبستگی و پیوند با جنبش جهانی سندیکایی زحمتکشان است. طبقهٔ کارگر ایران و جنبش سندیکایی موجود، تشکل‌های زرد را نمایندهٔ خود در مجامع جهانی‌ای نظیر سازمان بین‌المللی کار و فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری نمی‌دانند و بر ضد آن مبارزه کرده و خواهند کرد.

به‌هرروی، باتوجه به آنچه مورداشاره قرار گرفت، در هفته‌های پایانی سال که موضوع تعیین حداقل دستمزد در دستورکار قرار دارد و مراکز کارگری کشور به‌شدت متأثر از این مسئله هستند، می‌تواند موقعیت زمانی‌ای مناسب برای افشای سیاست‌های رژیم، عملکرد تشکل‌های زرد و زرد حکومتی در موضوع حداقل دستمزد و ماهیت ضدکارگری دولت اعتدال و مجموعهٔ حاکمیت باشد. به‌یاد داشته باشیم که با تصویب لایحه بودجهٔ سال آینده و تبصره‌های آن نظیر بند "ز" تبصرهٔ ۷ لایحه بودجه ۹۷، ریشهٔ معضل‌هایی نظیر شکاف بین مزد و هزینه، پدیدهٔ دستمزدهای معوقه و علت کاهش مستمر قدرت خرید طبقهٔ کارگر و زحمتکشان به‌خوبی در معرض دید و داوری توده‌های کارگر قرار گرفته است.

این برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی رژیم، به‌ویژه آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و

ادامه در صفحه ۳

ادامهٔ مبارزه برای رفع تبعیض از ...

صنوف مختلف از پوشش قانون کار، بیمه خدمات درمانی، حق بازنشستگی و دیگر مزایای قانونی محرومند و بدتر از آن اینکه بیش از ۹۵ درصد آنان با قراردادهای موقت ۳ ماهه، ۱ ماهه و سپیدامضا وادار به‌کار می‌شوند. اوضاع فوق‌العاده غیرانسانی زندگی زنان کارگر شاغل در صنوف بی‌شمار تنگناهای معیشتی دارد و مسئله دستمزد غیرعادلانه به‌ویژه هستی آنان را تهدید می‌کند. برای نمونه، "دیوان عدالت اداری" در روز ۳۱ مردادماه امسال، "ممنوعیت اخراج مادران کارگر در ایام شیردهی را خلاف قانون تشخیص داد و ابطال کرد." زنان کارگر و کارمند در تمامی سطوح شغلی با قوانین تبعیض‌آمیز در محیط کار روبرو هستند. زنان در برابر کار مساوی دستمزد کمتری از همکاران مرد خود دریافت می‌کنند.

طرح تحول سلامت، و امنیت شغلی زنان شاغل در بخش درمان و پزشکی کشور

طرح تحول سلامت، طرحی که بنا به‌گفتهٔ حسن روحانی قرار بود "هزینه‌های مردم" در بخش سلامت را کاهش داده و مردم "احساس کرامت بیشتر" بکنند، سازمان تأمین اجتماعی، یعنی صندوق اندوختهٔ کارگران را به ورشکستگی کشانده است. بنا بر گزارش ۶ اسفندماه ۹۶ روزنامهٔ شرق: "تنها در دوران طرح تحول سلامت"، یعنی در کمتر از چهار سال، هزینه‌های درمان سازمان تأمین اجتماعی "تقریباً دو برابر کل هزینه‌های درمان سازمان... در نیم‌قرن گذشته بوده است." اکنون با تصویب بند "ز" تبصره ۷ لایحه بودجه ۹۷ دولت به‌وسیلهٔ مجلس شورا، رژیم ۹ بیست و هفتم حق بیمه کارگران، یعنی بخش درمان حق بیمه کارگران را نیز تصاحب خواهد کرد. به‌علاوه، طرح تحول سلامت امنیت شغلی هزاران پرستار را که اکثریت مطلق آنان را زنان تشکیل می‌دهند پایمال و موجب سقوط سطح زندگی خود و خانواده‌های‌شان شده است. ایلنا، ۳ دی‌ماه، از تجمع "برای چندمین بار" کارکنان "شرکتی طرح تحول سلامت" به "نمایندگی بیش از هزار تن از کارکنان شرکتی" پرستار که اغلب زنان هستند، گزارش داد. برخی شرکت‌ها "سه ماه" و برخی دیگر "دو ماه" حقوق کارکنان شرکتی طرح تحول سلامت را نپرداخته بودند. بنا بر گزارش ۱۳ بهمن‌ماه ۹۶ ایلنا، "طبق استانداردهای موجود یک پرستار نهایتاً باید وظیفه سرویس رسانی به سه بیمار را برعهده بگیرد اما درحال‌حاضر در بیمارستان‌های دولتی ممکن است یک پرستار هم‌زمان مراقبت از نُه بیمار را نیز برعهده بگیرد." ایلنا، ۲۰ بهمن‌ماه، همچنین نوشت: "از زمان اجرای طرح تحول سلامت، مرگ ۱۷ پرستار در سراسر کشور رخ داده است که همه آنها مشکوک به سندرم »کاروشی «یا مرگ بر اثر فشار کاری بوده است"؛ این پرستاران "بین ۲۵ تا ۴۵ سال سن داشتند."

زنان کارگر در صف مقدم بیکاری

به‌طورکلی زنان و زنان کارگر و زحمتکش در صف مقدم بیکاری قرار دارند. اجرای سیاست تعدیل نیروی انسانی و خصوصی‌سازی موجب بیکاری گستردهٔ زنان کارگر در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیز زنان کارمند در دوایر دولتی و خصوصی شده است. گرچه در تابستان ۱۳۹۲ وزیر کار شاغل دانستن افراد فقط با یک ساعت کار در هفته را "آمار دروغ بزرگ" می‌دانست، اما بعد از آغاز به‌کار در مقام وزیر، همان نوع آمارگیری را به‌کار گرفته است. حتی بر اساس یک‌چنین روش آمارگیری هم، روزنامه اعتماد، ۵ اسفندماه ۹۶، نرخ بیکاری مردان در بازهٔ سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله را "۲۴٫۵ درصد"، و نرخ بیکاری زنان در این بازهٔ سنی را بالغ بر "۴۲٫۵ درصد" گزارش داد. این نرخ در بعضی استان‌های محروم کشور بسیار تکان‌دهنده است. برآوردهای آماری دو سال پیش که از سوی خبرگزاری مهر انتشار یافته بود، چنین حکایت می‌کرد: "نرخ بیکاری زنان زیر ۳۰ سال" در استان‌های ایلام، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان‌رضوی، گلستان، لرستان، مازندران، مرکزی و هرمزگان به‌ترتیب: ۸۶٫۴، ۸۰٫۱، ۶۹٫۵، ۶۹٫۵، ۸۱٫۷، ۶۴٫۱، ۶۲٫۵ و ۷۳٫۱ درصد.

تبعیض جنسیتی- طبقاتی و حقوق پایمال‌شدهٔ زنان سرپرستِ خانوار

مطابق گزارش ۲۱ مردادماه ۹۶ ایرنا: "بالغ بر دو میلیون و ۶۰۰ هزار خانواده زن سرپرست در کشور وجود دارد" که از آن تعداد فقط "۱۸۰ هزار زن سرپرست خانوار، تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند." بین سال ۱۳۹۱ تا تابستان سال جاری (۹۶)، تعداد "زن سرپرست خانوار" رشد ۱۰ درصدی داشته است. درحال‌حاضر خط فقر در کشورمان ۵ میلیون تومان در ماه، و حداقل دستمزد ۹۳۰ هزار تومان در ماه. دستمزد کارگران یک‌پنجم خط فقر است. ایلنا، ۱۶ دی‌ماه ۹۶، از وجود "ده میلیون کارگر در مشاغل غیررسمی" گزارش داد و افزود: "حداقل بیست میلیون خانوار ایرانی (حداقل‌بگیران و کارگران غیررسمی)" را تشکیل می‌دهند. کارگران غیررسمی "هیچ منبع درآمد قانونی و پایداری ندارند." این شرایط اسف‌بار زحمتکشان نتیجهٔ آزادسازی اقتصاد در سه دههٔ اخیر است و اعتراضات گستردهٔ هم‌میهنان کشورمان در بیش از ۸۰ شهر کشور در دی‌ماه ۹۶ نتیجهٔ اجرای این سیاست‌های ویرانگر است. آنچه شرایط زندگی و جایگاه زنان، به‌ویژه زنان کارگر، را تضعیف کرده و موجب فقر آنان گردیده، اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم به‌موازات تحمیل قوانین زن‌ستیزانه به آنان است. زنان کارگر و زحمتکشان زن بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش سندیکایی زحمتکشان به‌شمار می‌آیند و برخی از خواست‌های آنان عبارت‌اند از:

زنان کارگر در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند؛
تبعیض جنسیتی در برخورداری از کار مناسب پایان یابد؛
حق انتخاب پوشش و آزادی آن برای زنان کارگر و شاغل تضمین شود؛
حق زنان در استفاده از مرخصی با حقوق و تضمین محل کار و اشتغال آنان پیش و پس از زایمان؛
تأمین حق بازنشستگی و بیمه خدمات درمانی برای زنان کارگر و شاغل؛
بیمه بیکاری برای همه زنان کارگر به‌ویژه زنان شاغل در صنوف به‌رسمیت شناخته شود؛
به تبعیض جنسیتی در انتخاب شغل پایان داده شود.

این مطالبات از زمره خواست‌های مهم زنان شاغل و مجموعه جنبش کارگری کشور در مرحلهٔ کنونی است.

ادامهٔ تأملی بر نقش ...

اقتصاد مقاومتی ولی فقیه هستند که مانع از افزایش عادلانهٔ دستمزدها و تأمین امنیت شغلی زحمتکشان‌اند. به‌عبارت‌دیگر، کارگران و زحمتکشان میهن ما بر اثر تجربهٔ روزانه زندگی به‌خوبی دریافته‌اند که روبنای سیاسی مبتنی بر استبداد مذهبی که حافظ منافع کلان‌سرمایه‌داران است، مانع اصلی در تأمین حقوق و منافع صنفی و سیاسی‌شان است. بنابراین، وظیفهٔ اصلی و بی‌درنگ جنبش کارگری شدت بخشیدن به مبارزه، سازمان‌دهی اعتراض‌ها، تعیین شعارهایی مناسب و حرکت قاطع در جهت پیوند با دیگر لایه‌ها و گردان‌های اجتماعی است. هم‌اکنون مبارزه‌یی جدی و بسیار حیاتی در مراکز کارگری و نیز در بین دیگر زحمتکشان مانند فرهنگیان، پرستاران و بازنشستگان جریان دارد. تشکل‌های مستقل و فعالان صنفی - سندیکایی نقشی بسیار ارزشمند در این مبارزه برعهده دارند. یکی از وظایف و اولویت‌ها در این مرحله، تعیین شعارهایی صحیح، بسیج کننده و مؤثر در راهپیمایی‌ها و اعتصاب‌های کارگری است. باید منطبق با توان و خواست‌های کنونی، شعارهایی رزم‌جویانه و اثرگذار را با برخی شعارهای از سر استیصال جایگزین کرده و در راستای جلب حمایت مردمی و پیوند با دیگر گردان‌های اجتماعی اقدام کرد. به‌علاوه، یادآوری این نکته از اهمیت برخوردار است که جنبش کارگری و سندیکایی، باتوجه به ماهیت طبقاتی‌اش، با هرگونه شعار و برنامه‌یی که مبارزه برای طرد و حذف استبداد مذهبی و انجام اصلاحات بنیادین را به‌حل‌وفصل در بالا و بدون حضور توده‌ها موکول می‌کند، مخالفت و با آن مقابله کند.

دست یافتن به حقوق زحمتکشان میهن ما درگرو پیوند مستحکم و زنده با جنبش همگانی ضداستبدادی است. مبارزه برای تأمین حقوقی صنفی مانند احیای سندیکاها، برپایی تشکل‌های مستقل و واقعی طبقاتی- نه آن‌گونه که طرح وزارت کار موسوم به اصلاح ساختار تشکل‌های کارگری درنظر دارد- در پیوند و تلفیق با خواست‌های سیاسی می‌تواند ثمربخش باشد.

اتحادعمل فراگیر در صف‌های جنبش سندیکایی زحمتکشان و پیوند مستحکم با جنبش همگانی ضداستبدادی، چنین‌اند وظایف بی‌درنگ جنبش کارگری میهن ما در میدان عمل سیاسی در مرحله دشوار کنونی و به‌سود تأمین منافع همگانی علیه استبداد مذهبی.

کارگر متحد همه‌چیز
کارگر متفرق هیچ‌چیز

حقِ مشارکت، تصمیم‌گیری، و نظارت در کارخانه‌ها- بخشی از حقوق سندیکایی کارگران است!

مبارزهٔ کارگران صنعت پولاد آلمان برای تأمین امنیت شغلی

پس از ادغام شرکت تاتا استیل (شرکت فولاد هندی) در صنعت معدن، آهن، و فولاد آلمان (مونتان) و فروش سهام آن در بازار بورس، آن استحکام لازم و مورد انتظاری که کارفرمایان به کارگران شاغل در این صنعت وعده می‌دادند حاصل نشد.

با این اوصاف، اتحادیهٔ فلزکاران (ای.گ. متال)، بزرگ‌ترین و قوی‌ترین اتحادیهٔ کارگری آلمان، همراه با کارگران بزرگ‌ترین کنسرن تولید فولاد (تیسن کروپ)، موفق شد برای ۲۷ هزار کارگر و کارمند این صنایع، امنیت شغلی به‌مدت ۹ سال کسب کند. نتیجهٔ حاصل از افزایش نرخ فولاد، هزینه‌هایی زیاد به نیروی کار تحمیل خواهد کرد. کارگران حق مشارکت و تصمیم‌گیری در امور کار و کارخانه را از دست می‌دهند، یعنی حقوقی که یکی از دستاوردهای بزرگ جنبش کارگری آلمان محسوب می‌شود: قانون حق مشارکت و تصمیم‌گیری در صنایع مونتان.

در صورتی که پس از شش سال، کنسرن تیسن و تاتا دیگر آن اکثریت لازم را نداشته باشند- که احتمال آن زیاد است-تضمین امنیت شغلی هم ارزش خودش را از دست خواهد داد.

خواست اتحادیه فلزکاران (ای.گ. متال) انتقال دفتر مرکزی کنسرن‌های یاد شده به کشور هلند است تا از این طریق کنترل امور کارخانه که حق شناخته‌شده و به‌رسمیت پذیرفته‌شده در کارخانه مونتان است به‌سهولت انجام پذیرد و از نفوذ و سوءِاستفاده‌های ۹ شرکت سرمایه‌گذار در این کارخانه جلوگیری به‌عمل آید. کنترل و بازرسی تمامی مرحله‌ها، از تولید تا فروش و سود کارخانه، باید از طریق نمایندگان کارگران، کارمندان و کارفرمایان انجام پذیرد. کارفرمایان علاوه بر فرار از پرداخت مالیات، مانع کنترل و نظارت کارگری در امور کارخانه‌اند.

ادعای مطرح شده از سوی سهام‌داران عمده غیرمنطقی و موردپذیرش کارگران نیست. کارفرمایان و سهام‌داران عمده ادعا می‌کنند که بدون دخالت کارگران امنیت شغلی کارگران بیشتر تضمین خواهد شد. کارگران هرگز نمی‌توانند بر ادعای کارفرمایان تکیه کنند. قانون حق مشارکت و تصمیم‌گیری کارگران در صنایع مونتان، دستاورد بزرگ کارگران است که از طریق مبارزه به‌دست آمده است و کارگران حاضر نیستند این دستاورد را قربانی وعدهٔ آینده‌یی نامشخص کنند.

حق مشارکت چگونه به‌دست آمد!

لازم به یادآوری است که اتحادیهٔ فلزکاران (ای.گ. متال) و معدن‌کاران، در پایان سال ۱۹۵۰ و آغاز سال ۱۹۵۱ مشارکت و نظارت در امور کارخانه و معادن را خواستار بوده‌اند و به نتیجهٔ موردنظرشان هم رسیدند. در آن زمان، در یک رأی‌گیری، ۹۸ درصد کارگران فولاد و ۹۳ درصد کارگران معدنچیان به برپایی اعتصاب رأی دادند و اتحادیه‌های کارگری هم تهدید کردند که

اگر کارفرمایان به این قانون- قانون حق مشارکت و تصمیم‌گیری کارگران در صنایع مونتان- احترام نگذارند، کل اقتصاد کشور را فلج خواهند کرد. پس از تهدید به‌اعتصاب بود که با میانجیگری دولت حق مشارکت و تصمیم‌گیری کارگران در صنایع مونتان در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۵۰ (فروردین‌ماه ۱۳۲۹) به‌طورقانونی رسمیت یافت. با این حال، برخلاف تقاضای اتحادیه‌های کارگری، این قانون تنها در صنایع مونتان اجرا شد، درحالی‌که اتحادیه‌ها می‌خواستند این حق شامل حال تمام شرکت‌های بزرگ شود.

در زمانی که این قانون تصویب شد، حق مشارکت و تصمیم‌گیری کارگران و نمایندگان کارگران در امور کارخانه شامل حال ۷۱ شرکت که در کار معدن مشغول بودند و ۳۴ کارخانه تولید آهن و فولاد گردید. درحال‌حاضر این قانون همچنان به‌اعتبار خود باقی است و تقریباً ۱۹ از ۲۲ مرکز از صنایع یاد شده با بیش از صد هزار کارگر را در برمی‌گیرد. نویسنده این سطور (قانون حق مشارکت و تصمیم‌گیری در صنایع مونتان) و یکی از کسانی که در آن زمان و در آن مبارزه به‌شکلی فعال شرکت داشت، نمایندهٔ کارگران کارخانه تولید فولاد در شهر دوی‌سبورگ به‌نام گروه "هوتن ورک" بود که در اتحادیهٔ فلزکاران (ای.گ. متال) مشترکاً فعالیت می‌کردند.

امروز باعث شگفتی بسیار خواهد شد که اتحادیه فلزکاران (ای.گ. متال)، ۶۶ سال پس از تصویب این قانون، ضربه‌یی را که بزرگ‌ترین کنسرن‌های کشور آلمان درصدد وارد آوردن به دستاوردهای جنبش کارگری به‌قصد نابود کردن آن است، بی‌سر و صدا و بی‌پاسخ بگذارد. ویلهلم سرگته، نمایندهٔ کارگران، می‌گوید: به‌همین دلیل باید نمایندگان کارگران کارخانه‌های گروه تیسن در برابر این سیاست ضد کارگری مقاومت کنند و دست به‌اعتراض بزنند و از اجرای برنامه‌های ضد کارگری مدیران این کنسرن ممانعت به‌عمل آورند.

مقاومت در برابر سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی کنسرن‌ها و مبارزه برای حفظ و گسترش دستاوردهای کارگری، مؤثرترین روشی است که ۶۶ سال پیش از این نیز اهمیت آن به‌اثبات رسیده بود. مبارزه برای دست‌یابی به‌حق و حقوق کارگران و زحمتکشان پایانی نمی‌شناسد.

دست‌ها از نابود کردن حق‌وحقوق کارگران کوتاه!

خواست کارگران مشارکت مستقیم و مؤثر نمایندگان‌شان در امور تصمیم‌گیری و اجرایی کارخانه‌ها است.

برگرفته از: سایت حزب کمونیست آلمان (د کا پ)، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۶.

https://www.unsere-zeit.de/de/5001/

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۴
Nameh Mardom –Workers Supplement No. 4

5 March 2018

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930
23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran